

نادر قدیانی، مدیر انتشارات قدیانی؛

چیزی به نام مافیای نشر را تکذیب می‌کنم

رضا آشفته ـ ناهید مبالغ



نادر قدیانی

کتاب‌فروشی برود و کتاب مورد علاقه‌اش را خریداری کند یا مادری ضمن رفتن به خانه در مسیر، کتابی برای کودک خود بخرد. در همین تهران اگر میدان انقلاب و خیابان کریمخان را کنار بگذاریم، کجای تهران خواهر یا برادر ۱۲ یا ۱۰ساله شما می‌تواند در زمان ۱۰دقیقه کتاب‌فروشی مناسب و مورد قبول یافت کند و کتابی بخرد. بخشی نیز به مسئولان فرهنگی کشور و به مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور برمی‌گردد. من همواره گفته‌ام که ما باید «شورایعالی کتاب» داشته باشیم تا هنرها، ارگان و سازمانی به خود اجازه ندهد در حوزه فرهنگ مکتوب دخالت کند و کتاب‌های بعضا به محتوای سطحی چاپ کند که در نتیجه نتنها خانواده‌ها و بچه‌ها زده می‌شوند، بلکه بودجه‌ای هم به هدر می‌رود. اما اگر «شورایعالی کتاب» داشته باشیم که همه حوزه‌های نشر را یکپارچه هدایت کند، نتیجه‌گیری بهتر خواهد بود. مطبوعات در جامعه مطرح هستند و امروز بیشتر از گذشته به معرفی کتاب بها می‌دهند. ۱۵سال قبل اگر پنج‌درصد بود، امروز به ۲۵درصد رسیده که خوب است، اما هنوز به کمال اعلی نرسیده. هرچند بسیاری از مطبوعات کتاب را معرفی می‌کنند، اما نامی از ناشر نمی‌برند و اغلب فقط به نویسنده اهمیت می‌دهند. صداسیما هم همین‌طور است. حتی جشنواره رشد هم ناشر کتاب‌های برگزیده خودش را فقط در مراسم معرفی می‌کند و هیچ‌گونه تبلیغاتی برای خانواده‌ها ندارد.

کامتنظور از «شورایعالی کتاب» چیست؟

«شورایعالی کتاب» یعنی ارگانی که با تایید دولت، مجلس شورای اسلامی، وزارت آموزش وپرورش و وزارت ارشاد در سطح بالایی تأسیس شود که بتواند خلأ و مشکلات نشر کتاب را اصلاح کند؛ بدون توقع حمایت زحمی... زیرا نشر کتاب باید روی پای خودش بایستد و نیازی به حمایت مالی نیست. ولی آیا یک کتاب ترجمه‌شده را باید همزمان ۱۵ناشر ترجمه، چاپ و منتشر کنند. خواننده گیج شده و نمی‌داند کدام ترجمه بهتر و صحیح‌تر است. این به صنعت نشر هم ضربه می‌زند. گاهی حتی همکاران هم از کار مشترک هم بی‌خبر هستیم. این‌کار بدون رقابت و بی‌قصد و غرض صورت می‌گیرد.

نظرشما درباره مساله‌ای به نام کپی‌رایت چیست؟

اصولا با نظم و انضباط و رعایت مقررات موافقم. اما در مورد کپی‌رایت آیا باید با دلار سه‌هزارتومان حق کپی‌رایت را پرداخت کنم؟ در این صورت تیراز به صدنسخه می‌رسد و کسی هم نخواهد خرید. ولی نظم و انضباط کاری در هزصورت لازم است، اما در مورد کپی‌رایت باید ابتدا بستر آن فراهم شود. هرچند به نمایشگاه‌هایی که خارج از کشور برگزار می‌شود سفر کرده‌ام و از برخی از ناشران خارجی کپی‌رایست به تعداد کافی هم نداشتیم. اما کلی برای داشتن حق‌کپی‌رایت در حال حاضر شرایط مهیا نیست.

آیا تعادلی بین ناشران کتاب، مردم و مخاطبان و آنچه «ویترین» نامیدید، برقرار است؟

بین مردم و تولیدکنندگان کتاب تعادل هست و حتی قلم‌به‌دستان بیشتر هم هستند زیرا نسل جوان ما در کار نوشتن و هنر شکوفا شده است. در حالی که در ۲۵سال قبل حتی گرافیکست به تعداد کافی هم نداشتیم. اما امروز در صنعت نشر از لسانسیه تا سطح دکترا مشغول به کار هستند. اما درباره «ویترین» همان‌طور که گفتیم، تعادل برقرار نیست. وقتی می‌گویم مردم ما چهاردقیقه، هشت‌دقیقه یا... مطالعه می‌کنند، آیا شرایط مطالعه را برای آنها مهیا کرده‌ام؟ و از آنجایی که شرایط آن که همان «ویترین» است، مهیا نشده، از گروه کار نشر مثل ویراستار، گرافیت، مترجم و... بهره‌برداری نمی‌شود. بیش از ۵۰درصد عامل پایین‌بودن تیراز کتاب، نبودن محل عرضه کتاب است. در نمایشگاه بین‌المللی که ۱۰روز برگزار می‌شود، ناشران حرفه‌ای تا ۱۰درصد فروش سال خود را دارند. می‌بینید مردم در آنجا از راه‌های دور با اتوبوس، هواپما و... می‌آیند و کتاب می‌خرند. پس خانواده‌ها و علاقه‌مندانی هستند که حاضرند یک یا دوزور وقت خود را بگذرانند و فقط برای خرید کتاب بایند. حتی ما مشتری‌های ثابتی داریم که هرسال برای خرید کتاب به نمایشگاه مراجعه می‌کنند. پس فرهنگ مطالعه مردم ما پایین نیست، بستر مناسب برای آن وجود ندارد و شرایط را مهیا نکرده‌ایم که

هنر

زیر رواق مصلّا

وعده نمایشگاهی متفاوت

باده‌اخبار

تغییر وضعیت می‌دهد؟

مانی ضمیران، این‌روزها ناشران به‌سرعت در حال آماده‌کردن کتاب‌های تازه هستند و سر چاپخانه‌دارها کم‌کم شلوغ می‌شود. به این دلیل که با آغاز ثبت‌نام نمایشگاه کتاب برگزاری آن وارد فاز اجرایی می‌شود. براساس وعده مسئولان قرار است بیست‌وهشتمین نمایشگاه کتاب تهران از هشت‌نمایشگاه قبلی و نمایشگاه‌های قبل‌ترش متفاوت‌تر باشد. نمی‌توانیم این موضوع را کتمان کنیم نمایشگاه کتاب تهران مهم‌ترین رویداد فرهنگی کشور است که در نیمه اول سال برگزار می‌شود و همه رویدادهای فرهنگی را زیر سایه خود می‌برد. به همین دلیل با وجود همه انتقادهایی که به شیوه اجرایی این نمایشگاه وجود دارد و افت‌وخیزهای آن نمی‌توان به‌سادگی آن را تنها یک رویداد دولتی دانست و به همین دلیل هم علاقه‌مندان به فرهنگ آن را دنبال می‌کنند و اخبارش را پیگیری می‌کنند. حالا بعد از تجربه یک‌نمایشگاه نصفه‌ونیمه بخش فرهنگی دولت یازدهم خیر از تفاوت آن می‌دهد: اتفاقی که نشان از بادهای تغییر در شیوه اجرایی دارد را می‌توان نشانه‌ای مثبت دانست؛ اگر در عمل هم شعارهای نمایشگاهی متفاوت عملی شود. یکی از این شعارها برگزاری نمایشگاه در جایی جز مصلای امام‌خمینی(ره) است. بعد از نمایشگاه هم به‌طور قطعی در مصلای امام‌خمینی(ره) برگزار نمی‌شود. تا مهرماه دوازگزینه اصلی برای نمایشگاه کتاب وجود داشت؛ اولی شهر آفتاب بود که البته بعد از بازیبنی مشخص شد این مکان که شده نمایشگاه‌های فرهنگی ساخته براد شاید به دوره سوم نام نمایشگاه برسد ولی نه با تمامی ظرفیت‌ها. البته اینکه چرا این محل که با حمایت شهرداری پایتخت در حال ساخت است این‌قدر با تأخیر آماده می‌شود سوالاتی است که احتمالا سوال مسئولان وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی هم هست. البته شهرداری وعده آماده‌سازی باغ کتاب را هم داده بود که آن هم در حال حاضر منتفی است. گزینه بعد بازگشت به محل دائمی نمایشگاه بود که به‌نظر مسئولان برگزاری نمایشگاه، گزینه جدی‌تری بود. اما وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جدا از مشکلات ترافیکی این مکان یک‌رقیب پولدار و سرسخت داشت که در نهایت هم نتوانست با آن رقابت کند. آن هم وزارت نفت و نمایشگاه بین‌المللی انرژی بود که راضی به تغییر تقویم برگزاری نشد. برای وزارت ارشاد هم برگزاری نمایشگاه با یک تا دوهفته تأخیر و تعجیل امکان پذیر نبود که ریسک برگزاری نمایشگاه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی که از نظر وسعت و سیستم‌های رفاهی از مصلی امام‌خمینی(ره) شرایط بهتری دارد، بپذیرد. در نهایت هم این وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که قطعیتش درباره محل برگزاری را به‌هم زد و اعلام کرد که در بیست‌وهشتم هم در مصلی برگزار می‌شود. از محل برگزاری که بگذریم، با اعلام ستادهای اجرایی برگزاری نمایشگاه، بحث محتوا و چگونگی برگزاری موضوعی حساس بود که ذهن ناشران و صاحبان کتاب را به خود مشغول خواهد کرد. وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی دولت‌یازدهم در این بخش با استفاده از تجربه‌های قبلی بخشی از کار را به بخش خصوصی سپرد. اتفاقی که سال پیش بخشی در دوره بیست‌وهفتم با واگذاری بخشی از کارهای اجرایی به اتحادیه ناشران و سایر اتحادیه‌های مرتبط انجام شد و امسال از همین ابتدا با ثبت‌نام ناشران توسط اتحادیه شروع شده است. درحال‌حاضر ثبت‌نام از ناشران به تفکیک چهارحوزه ناشران عمومی، ناشران دانشگاهی، ناشران کمک آموزشی و ناشران کودک و نوجوان از سوی صنف‌های مرتبط انجام می‌شود. ستاد اجرایی نمایشگاه هم با حکم رئیس نمایشگاه تعیین شدند.

تماشاخانه

چندسطر درباره نمایش لهستانی «کتاب‌ها»

هنر، جشن است



لیلا گلمداران

کتاب‌ها، پرفورمنسی از کمپانی تئاتری کمونا (Komuna) به کارگردانی (Grzegorz Laszuk) وکیل، طراح و گرافیست و دیجیتال آرتیست است. او کارگردانی است که پرسپکتیو و زوایای شخصی‌اش را به مسایل جهان و مخصوصا وقایع سیاسی از طریق هنر به اشتراک می‌گذارد. از نظر او «هنر یک جشن است و جشن هم یک انقلاب و دگرگونی است که حدود و مرزهای تثبیت‌شده قبلی را درهم می‌شکند، اضداد را جمع و تخالف‌ها را به‌هم پیوند می‌دهد و دستورالعمل دیگری را بر مبنای حماقت و خشونت جایگزین می‌کند.» (The Revolt Magazin, 1990, No5)

او در «کتاب‌ها» روند معکوس و غیرخطی‌ای را از مدرنیته، وضعیت پیشامدرن و ابتدایی از طریق سه‌داستان نشان می‌دهد؛ در داستان اول (داستان مخترع) Richard Buckminster Fuller معمار و مخترع آمریکایی (۱۹۸۳-۱۸۹۵)، نماینده عقلانیت، مدرنیته و تکنولوژی و صنعت غرب در تپ‌وتاب ساختن جهانی متکامل‌تر است. تصاویر سفینه فضایی مدرن او در عین‌حال یادآور کشتی نوح است. فولر در نهایت در برابر ناتوانی‌اش در تأمین سعادت انسان، شکست را می‌پذیرد و خودکشی می‌کند. در داستان دوم (Yongle) امپراتوری از سلسله مینگ (۱۴۲۴-۱۳۶۰) نماینده وضعیت پیشامدرن و فلسفه ضدجنگ شرق است. بانگل نیز کشتی بزرگی می‌سازد و سعی دارد از طریق صلح (تصاویر پیشکش هدایا به سلطان هند و موگادیشو) فاتح زمین باشد اما او نیز کام‌ناگرفته، کشتی‌اش را به آتش می‌کشد.

داستان سوم با داستان باغ، وضعیت پرمیتو را نشان می‌دهد؛ جایی «بینابین» (روای شرق و غرب و ملحقاشنش) برای التذاذ از آرامش، جایی که انسان- میمون فرصت دیدن و خواندن دارد، اما در نهایت این اتوپیا که همزمان یادآور باغ عدن پیشازمانی و همین‌طور بهشت موعود سازمانی است نیز در نهایت چیزی جز یک‌باغ‌وحش (اجراکنندگان یک باغ‌وحش صوتی ساختند) لرزان از هراس گوریل‌ها نیست.

کل دانش‌پشری به شکل کتاب‌های سترگ و سنگین به‌سختی در صحنه در حرکت است (درست مانند غلتاندن سکوهای سیاه) و هربار همچون پتکی بر سر تماشاگر کوبیده می‌شود. آخرین تصویر «کتاب‌ها» چمنزاری است که گوریل‌ها با صفحات کوچک کتاب پر می‌کنند، صحنه از انسان- حیوان تهی می‌ماند و صفحات سفید تاشده انبوهی از قایق‌های بادبانی را به ذهن تماشاگر به‌عنوان آخرین تصویر یا شاید هشدار متبادر می‌کند. بیش از پرداختن به لایه‌های متکثر معانی و اندیشه پنهان در فرم، بیشتر مایلم تا در فرصتی به ساختار اجرایی و آشفخوره‌های تکنیکی این اثر بپردازم. تئاتر نیمه دوم قرن بیستم دیگر تئاتر پرسوناژها و شخصیت‌ها نیست. جمله بزرگ

آرتو را در کتاب مهم (Le Theatre et son double) یادآور می‌شوم...

چه کسی گفته است که تئاتر، هنر نمایش شخصیت‌هاست؟

در «کتاب‌ها» شخصیت وجود ندارد؛ هرچند داستان اول و دوم روایت فولر و بانگل است، اما آنها از حد اسامی خاص کمتر شنیده و شناخته‌شده‌شان برای تماشاگر وراتر نمی‌رود؛ و بازیگر یا بهتر بگوییم اجراکننده مطلق در پی ایفای نقش آنها نیست. بازیگر تئاتر نیمه‌دوم قرن بیستم هیچ‌آنچنان که ژیل دلزر در ادعان می‌دارد، یک اپراتور است (البته دلزر نه‌فقط بازیگر که حتی کارگردار و نویسنده تئاتر امروز را هم اپراتور می‌داند). بازیگر درواقع یک انسان- شن بدون هویت و جنسیت است که به هیچ‌وجه در پی ایجاد ارتباط با تماشاگر از طریق دواره سهل و تنبل همدات‌پنداری و تحرم نیست.

گسست و انسحاق، عدم تطبیق ژست با کلام، تصویر با صدا، عمل با روایت، حرکت، سکون با کنش صحنه، استفاده از جملات ساده اخباری، تکرار، حذف لحن و تخلیه جملات از حس و معنا و توجه ویژه به صوت، صدا، موسیقی و نویز از ویژگی‌های برجسته «کتاب‌ها»ست. در «کتاب‌ها» نه موزیسین و نه تکنیسین صوت از عوامل پشت‌صحنه نیستند. موزیسین با سازهایش برخوردی غیرکلاسیک دارد و تکنیسین صوت، خلاقانه و اصوات را در لحظه به‌اصطلاح می‌قاید و فی‌البداهه روی آنها کار می‌کند و در جهت کاربرد دراماتورژیک، آنها را بازیخش می‌کند. او یکی از مهم‌ترین ثبت‌نام از اپراتورهای این نمایش است که خلق‌الساعه می‌کند. در این اثر مانند تمام آثار مهم امروز دنیای تئاتر، اصوات، موسیقی و نویزها بیش از آنکه کاربرد شنوگرافیک داشته باشند، در کار عمل صحنه‌ای هستند.

غالب وقایع در اصوات رخ می‌دهند و تماشاگری که با مقوله پیچیده میزآنسن‌های صوتی در تئاتر امروز دنیا آشنایی ندارد، مسلما از درک و دریافت کل اثر عاجز می‌ماند. نکته قابل‌تقدیر و تامل «کتاب‌ها» کار روی میکروفن‌ها و در نظرگرفتن آنها به عنوان پرفورمر یا اجراکننده است. در نهایت، ذکر این نکته بدیهی را ضروری می‌دانم؛ در این نوع آثار فرم است که ناقل معناست و کوچک‌ترین تغییریی در هرجزه آن، کلیت را از بین می‌برد. پرفورمنس، هنر خلق در لحظه و در برابر دیدگان تماشاگر است بنابراین انتخاب سالن نامناسب، شلختگی در نورپردازی و بدون تعارف، تماشاگر دستپاچه و بی‌تجربه در کنترل خود در برابر یک امر ناشناس، نهایتا به ازدست‌رفتن تمرکز کل گروه بر اجرا و تخریب یک شاهکار می‌انجامد.

❖ **دکترای پژوهشی در تکنولوژی دیجیتال و مدلوزی پژوهش در هنرهای اجرایی از دانشگاه ساینتزا**